

عوامل بازدارنده و مشکلات اجرای یاسا در ایران عهد ایلخانان (۷۴۰-۵۶۶ق)

ابراهیم خسروی^۱

پژمان افخمی^۲

چکیده

در سال ۶۵۶ قمری، هلاکو حکومت ایلخانان را در ایران بنیان نهاد. از این رو، مغولان در صدد اجرای فرهنگ خود به خصوص قوانین یاسای چنگیزخان در ایران برآمدند. این پژوهش تاریخی به روش توصیفی - تحلیلی این هدف را دارد تا عوامل بازدارنده و مشکلات اجرای قوانین یاسا را در ایران تبیین کند. در مورد احکام یاسا، مورخان در قالب کلیت تاریخ مغولان آثاری به نگارش درآورده‌اند. علاوه بر این، مقالاتی نیز در باب این قوانین از سوی محققان حقوق به رشته تحریر در آمده است. اما این آثار به اینکه قوانین یاسا چگونه در ایران اجرا می‌شد؟ و چه مشکلاتی داشت، نپرداخته‌اند. بررسی فرضیه اصلی مبنی بر اینکه مانع اصلی اجرای یاسا در ایران، احکام اسلام بود، نشان می‌دهد علاوه بر موضوع فوق، تاثیر گرایش برخی ایلخانان به اسلام خصوصا غازان خان، به کم‌توجهی به یاسا و احکام آن در ایران منتج شده است، زیرا غازان یرلیغ‌هایی را تدوین کرد که بیشتر براساس جامعه و فرهنگ ایران ریخته شده بودند. هرچند در مبارزه طولانی این دو فرهنگ، در نهایت، توفیق با فرهنگ ایرانی - اسلامی بود، اما فرهنگ مغولان با فراز و فرود در خلال حکومت ایلخانان تا آغاز حکومت تیموریان دوام داشت.

واژگان کلیدی: یاسا، غازان، یرلیغ، مغولان، صحرانشینی، اولوس.

The Deterrent Factors and Problems of Execution of the Yassa in Iran During Ilkhanate Period (656-740 AH)

Ebrahim Khosravi³ Pezhman Afkhami⁴

Abstract

In the year 656 AH, Hulagu founded the empire of Ilkhanate in Iran. Having founded their empire, Mongols sought to spread their culture, especially Genghis Khan's Yassa (which literary means order or decree), all over Iran. This historical research, using a descriptive and analytical method, aims to explain the deterrent factors and problems of execution of Yassa in Iran during Ilkhanate Period. Historians wrote some works within the framework of the totality of the history of the Mongols about yassa rulings. In addition, articles related to the Yassa laws have been written by the laws researchers; but these works have not paid attention to how these laws were executed and what kinds of problems they dealt with? (The administrators faced while executing them.) Dakhele prantez bayad hafz shaved. Dar farsi nist. The examination of the main hypotheses indicate that the (main obstacle) in the execution of Yassa was Islamic rules and it also shows that the Islamic inclination of some of the Mongol rulers like Ghazan Khan, who based his Yarliqs (which literary means Royal Decree) mostly on the Iranian society and culture, led to the indifference to Yassa and its rules in Iran. Although, in the long struggle between the two cultures, the winner part was the Iranian-Islamic part, the Mongolian culture survived till the rise of Timurid Empire.

Keywords: Yassa, Ghazan, Yarliq, Mongols, Nomadism, Ulus.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی.

3. MA Student of the History, Ferdowsi University of Mashhad. Email:

ekhosravi83@yahoo.com

4. MA Student of the History, Shahid Beheshti University. E.Mail:

pezhman.ghashgayi@gmail.com

مقدمه

پیش از تشکیل حکومت ایلخانان در ایران، حکومت‌های ایرانی و ترک در این قلمرو به قدرت رسیده بودند. نقطه مشترک همه‌ی آن‌ها اجرا کردن قوانین اسلام و پیروی آن‌ها از اسلام بود. تفاوت شایان این حکومت‌ها با مغولان نیز در همین دو مساله بود. مغولان پیش از آمدن به ایران، در صدد بودند تا قوانین یاسای چنگیزی را مقدس کرده و به اجرا گذارند. از این رو، به هنگام آمدن هلاکو به ایران، سال‌ها از این ماجرا در خود مغولستان گذشته بود. منابع، اطلاعاتی کلی از اداره کردن ایران تا پیش از هلاکو بدست می‌دهند که مهمترین اشخاص مغولی حاکم بر ایران، کورکوز اویغوری و امیر ارغون بوده‌اند، که ظاهراً هر دو نیز گرایش‌های اسلام‌خواهی داشتند. در این مدت نیز مغولان برای تحمیل آداب و رسوم خود به مناطق تازه فتح شده تلاش می‌کردند. حمله نخست تا آمدن هلاکو به ایران، صدمه شدیدی به اسلام زد. بسیاری از روحانیون کشته و مدارس و کتابخانه‌های زیادی نابود شدند. این آشفتگی و ناآرامی، موجب شده بود تا مردم تا حد زیادی تابع یاسا باشند. بنابراین، آمدن هلاکو به ایران و تشکیل حکومت ایلخانان، نقطه‌ی عطفی برای مغولان در جاری کردن آداب و رسوم مغولی بود.

در مورد تاریخ مغول در ایران، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نگاشته شده‌اند که به موضوعات گوناگون این دوره پرداخته‌اند. در این آثار به صورت مختصر و پراکنده در مورد موضوع این پژوهش بحث شده است. با وجود این، تلاش شد تا با مراجعه به منابع دست اول، این پژوهش نگاشته شود. از جمله این آثار می‌توان به کتاب چنگیزخان، اثر ولادیمیر تسوف، دین و دولت در *ایران عهد مغول*، اثر شیرین بیانی و مقالاتی مانند «غوری در اندیشه چنگیزخان بر مبنای یاسا» نوشته وهاب ولی و «تغییرات کارکردی یاسا در دو دوره مغولان اولیه و ایلخانان» اثر رزگار برفروخت و «قضا و دادرسی در زمان مغولان» نوشته محمد علی موحدی اشاره کرد.

مهمترین سوال مطرح شده این است که پس از ورود آداب و رسوم مغولی و به خصوص قوانین یاسا به ایران در زیر لوای حکومت مغولان و سلسله ایلخانان، ایرانیان چه واکنشی به این تهاجم فرهنگ بیگانه نشان دادند؟ و چه عواملی موجب شده بود تا قوانین یاسا در جامعه ایران عصر ایلخانی نفوذ زیادی نکند و یا نفوذ آن پرافت و خیز باشد؟ این پژوهش به روش تاریخی و از نوع توصیفی - تحلیلی نوشته شده، و از لحاظ گردآوری اطلاعات، شیوه کتابخانه‌ای را به کار گرفته است. هدف پژوهش نیز روشن ساختن عوامل بازدارنده‌ی اجرای یاسا در ایران عهد ایلخانان است.

به طور کلی قوانین یاسا علاوه بر اینکه با مقتضیات زمان ایلخانان هماهنگ نشده بود، بعد از گرایش مغولان به فرهنگ ایرانی و اسلام، همچون سال‌های قبل مورد حمایت نبود. رفته رفته قدرت‌گیری اندیشمندان ایران موجب تقویت و تدوین اندیشه‌ی ایرانی - اسلامی شد که بیشتر نقش آن بر عهده افرادی همچون خواجه نصیر، برادران جوینی و فضل‌الله همدانی بود. مقاومت ایرانیان در برابر تلاش مغولان برای بازگشت به جامعه پیشاشهری و اقتصاد غالباً دامداری، نشان داد که جامعه ایرانی، به مرحله‌ای از تمدن وارد شده است که نمی‌توان آن را با قوانین مراحل تمدنی ابتدایی‌تر کنترل و اداره کرد. در نتیجه یاسا و مغولان حامی، نه تنها نتوانستند تمدن را به عقب بازگردانند، بلکه خود آن را پذیرفتند. شکار، وحشی‌گری، اقتصاد دامداری و عشایری به سبک مغولی (متفاوت از اقتصاد دامداری و کوچ‌روی ایران در قرن هفت)، زندگی کوچ‌روی و جنگ‌های طولانی و پی در پی که قانون یاسا، مغولان را به انجام آن تشویق می‌کرد، سال‌ها پیش به سیاست‌های دوستی، پرهیز از خشونت غیرضروری، اقتصاد تجاری - بازرگانی و صنعت هرچند در مراحل نخستین آن و یکجانشینی و شهرنشینی تبدیل شده بود.

معنا و مفهوم یاسا

یاسا یا یاساق واژه‌ای مغولی است. برای این کلمه معانی متعددی مانند «حکم»، «امر و دستور»، «قاعده و قانون» به کار رفته است.^۵ همچنین به معنای منع کردن، نهی نمودن و ممنوعیت، مجازات و تنبیه استفاده شده است.^۶ یاسا به معنای حکم و دستورات امرا نیز به کار رفته است. سامی در *لغت‌نامه قاموس ترکی*، معنای کامل و جامع یاسا را اینگونه بیان می‌کند: «مجموعه قوانین و تنظیم‌های چنگیزخان با ترکیبی از رسومات کهن مغولستان بود که قانون غیر قانون خود را منع می‌کرد و در اجرای آن از خشونت بهره گرفته می‌شد.»^۷ معنای مورد نظر در این پژوهش، مجموعه احکام و قوانین چنگیزخان است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۵. عباس اقبال آشتیانی، *تاریخ مغول*، چاپ نهم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸)، ص ۷۸؛ معصومه معدن کن، *به یاسا رسیدگان عصر ایلخانی* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵)، ص ۱۰.

۶. وهاب ولی، «غوری در اندیشه چنگیزخان بر مبنای یاسا»، *مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن*، ج ۲ (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹)، ص ۱۳۳۱؛ ش. سامی، *قاموس ترکی*، به اقدام احمد جودت (استانبول: بی‌نا، ۱۳۱۷)، ص ۱۵۲۹.

۷. سامی، ص ۱۵۲۹.

دو معنای اصلی برای واژه‌ی یاسا در منابع فارسی یکی حکم، قانون و دستور و دیگری اعدام و کشتن با جمله کوتاه «به یاسا رساندن» است که فراوان در این متون به چشم می‌خورد. علاوه بر یاسا به معنای حکم و فرمان، واژه‌ی مغولی «یرلیغ» نیز به همین معنی در منابع آمده است. این واژه بسیار بیشتر از واژه‌ی یاسا به معنای دستور و قانون به کار رفته است. یرلیغ، فرمان‌هایی بود که از سوی ایلخانان و حکمرانان متعدد صادر می‌شده است. بنابراین، یرلیغ، دستور و فرمان بود و یاسا نیز جز محدود دفعاتی که به معنای قوانین منسوب به چنگیزخان به کار رفته است، اغلب به معنای مجازات کردن و کیفر دادن افراد با کشتن است. بعد از اصلاحات غازان‌خان، اکثر منابع فارسی که بعد از این دوره به نگارش درآمدند، از یرلیغ‌های غازان‌خان به عنوان مهم‌ترین دستورات و قوانین نسبت به احکام یاسای چنگیزخان یاد می‌کنند.

زمینه‌های شکل‌گیری یاسا و قوانین آن

چنگیزخان در مغولستان و در قبیله قیات در حدود سال ۵۴۹ قمری متولد شد. در نوجوانی پدرش یسوکای بهادر به قتل رسید. بعد از فوت پدر، مادرش، امورات او را تمشیت می‌کرد. در ادامه تحولات زندگی چنگیزخان به هنگام فرار از دست دشمنانش، به خدمت اونگ‌خان که با پدرش آندایی (برادری) بسته بود، درآمد. در این خلال او به قدرت و شوکت بسیاری دست یافت، تا جایی که به قدرت اصلی مغولستان تبدیل شده بود. اونگ‌خان با دیگر دشمنان چنگیز، علیه او متحد شد، اما پیروزی از آن چنگیزخان بود. وی بعد از فتح و اتحاد مغولستان به سمت چین و ماوراءالنهر و ایران لشکرکشی کرد و بخش‌هایی از این سرزمین‌ها را غارت و تصرف نمود. پس از بازگشت به مغولستان به سال ۶۲۴ قمری در یورت اصلی خود فوت کرد و زمانی پیش از آن، پسرش اوگتای را به عنوان جانشین خود انتخاب کرده بود.^۸

در مورد مکتوب شدن و انتساب یاسا به چنگیزخان، منابع متعددی چون، *جهانگشای جوینی*، *الخطط مقریزی*، *سفرنامه ابن بطوطه*، *مجمع الانساب شبانکاره‌ای*، *تاریخ بناکتی*، *روضه الصفای میرخواند*، *تاریخ الفی*، *سفرنامه پلن کارپن* و آثاری دیگر مطالبی آورده‌اند. آثار پژوهشی بسیاری نیز صحت این مطلب را تایید می‌کنند. مورگان معتقد است قوانین یاسا از سوی

۸. *تاریخ سری مغولان*، ترجمه شیرین بیانی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰)، ص ۲۴، ۱۹؛ محمد بن علی شبانکاره‌ای، *مجمع الانساب*، به تصحیح میرهاشم محدث (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۲۲۸، ۲۲۵؛ اقبال آشتیانی،

چنگیزخان و بنا به دستور او تدوین نشده است، بلکه عرفها و دستوراتی بود که بعدها جمع‌آوری شده و به او نسبت داده شده است. مورگان دلیلش را این می‌داند که در منابع چینی، تدوین‌گر قوانین یاسا را اوگتای آورده‌اند. به‌علاوه گفته‌ها و دستوره‌های چنگیزخان توسط «شی-گی-قوتوقو» نوشته می‌شد که بعداً به شکل قوانین مدون درآمده است.^۹

مطالعه و بررسی تاریخ سری مغولان نشان می‌دهد که مغولان پیش از چنگیزخان پایبند قانون و وفادار نسبت به آن بودند. در آن آمده است که مادر تموچین (چنگیزخان) به فرزندانش قانون و وفاداری می‌آموخت. اونگ‌خان نیز در هنگام رویارویی با چنگیزخان می‌گوید بین من و پسرم جدایی افکندند و مرا از اصول و قواعد باز داشتند.^{۱۰} ظاهراً منظور از اصول و قواعد، پیمان‌هایی بود که بین چنگیزخان و اونگ‌خان بسته شده بود. به طور کلی، سنت‌ها و عمل به آن‌ها، برای مغولان اهمیت داشت.

اکثر منابع فارسی، زمان تشکیل قوریلتای و اعلام رسمی شدن یاسا را بعد از فتوحات چنگیزخان ثبت کرده‌اند، به جز میرخواند که در *روضه الصف‌ا* چنین توالی زمانی را قائل نشده است. چنگیزخان پس از سی سال فتوحات و جنگ قدرت، بعد از بازگشت به مغولستان، در جلسه قوریلتای، ایجاد قوانین یاسا و مکتوب کردن آنرا مطرح کرد. مجموعه این قوانین، ترکیبی بود از آداب و سنن کهن مغولی با نقشه‌ها، آرمان‌ها، افکار و تجربیات چنگیزخان اعم از سختی‌ها، رنج‌ها، خیانت‌ها و پیروزی‌ها که از قریال عمل گذشته بودند، به‌خصوص آنچه در جنگ‌ها بر سر وی گذشته بود.^{۱۱} از این رو، میرخواند می‌نویسد او برای هر چیزی رسم و قاعده و قانونی وضع کرد.^{۱۲} ظاهراً قوانین یاسا به‌صورت مکتوب به خط اویغوری بود که رشیدالدین از روی آن برخی اصول یاسا را نوشته بود. مقریزی نیز می‌گوید وی از منابعی در مورد یاسا که در کتابخانه مستنصریه بغداد بوده است، استفاده کرده است.^{۱۳} نام این کتاب را «یاسا نامه بزرگ» نوشته‌اند که چنگیزخان به کمک دو پسرش یعنی اوگتای و جغتای آن را تدوین کرده بود. جغتای نسبت

۹. دیوید مورگان، *مغولها*، ترجمه عباس مخبر (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱)، ص ۱۲۰ - ۱۱۸.

۱۰. *تاریخ سری مغولان*، ص ۲۳، ۱۰۸.

۱۱. ولی، ص ۱۳۲۰؛ سید الباز العربی، *المغول* (بیروت: دارالنهضة العربیه، ۱۴۰۶ق)، ص ۶۰ - ۵۹؛ پلان کارپن،

سفرنامه پلان کارپن، ترجمه ولی الله شادان (تهران: نشر فرهنگ سرای ساولی، ۱۳۶۳)، ص ۵۸ - ۵۷.

۱۲. برهان الدین میرخواند، *روضه الصف‌ا*، ج ۵ (تهران: نشر کتابفروشی‌ها، ۱۳۳۹)، ص ۶۳.

۱۳. ولی، ص ۲۳ - ۱۳۲۲؛ محمدعلی موحدی، «قضا و دادرسی در زمان مغول»، *کانون وکلا* (سال ۱۳۳۴)، شماره

به دیگر شاهزادگان مغولی، به قوانین یاسا آشنا و مجری بود. از این رو، چنگیز به او لقب «محافظ یاسا» داده بود.^{۱۴}

قوانین یاسا برای همه مغولان و خودِ خان قابل احترام، مقدس و لازم الاجرا بود. چنگیزخان فرزندان و مغولان را وصیت کرده بود که از قانون یاسا پیروی و محافظت کنند، زیرا دوام حکومت را به اجرای آن می‌دانست و باور داشت یاسا عامل اتحاد مغولان است. به‌علاوه، معتقد بود آسمان نیز از یاسا حمایت می‌کند. چنگیزخان اصرار داشت مبادا چون خودش و جغتای از میان ایشان رفتند، یاسا را کنار بگذارند که در این صورت سقوط و انحطاط آن‌ها حتمی است.^{۱۵}

خانم بیانی می‌نویسد: «در واقع چنگیزخان دریافته بود برای ادامه سیاست توسعه طلبانه باید در تشکیلات ابتدایی مغولان تغییراتی به‌وجود بیاورد. وی با زیرکی اصلاحات را به گونه‌ای انجام داد که اصول بنیاد و نظام ایلی اشرافی مغولان بهم نخورد.»^{۱۶} به گفته ساندرز، قوانین یاسا، مجموعه اصول روشنفکرانه چنگیزخان با آداب و سنن موهوم پرستانه مغولان در راستای ادامه قدرت‌گیری، در کنار هم در یک قالب قرار گرفتند.^{۱۷} اشپولر نیز بر این باور است که این اصلاح قانون، متناسب با مقتضیات زمان و نیازمندی جامعه مغول برای اصلاحات صورت گرفته بود.^{۱۸} برخلاف آن‌ها بارتولد معتقد است تلاش چنگیزخان برای یکجا جمع کردن زندگی صحرائشینی و فرهنگ عقلی، فقط چهل سال دوام آورد و این ضعف که از ابتدا قابل پیش‌بینی بود، علت اصلی سقوط این اتحاد سنن با تفکرات عقلی بود.^{۱۹} در حالی که تسوف بر این باور است که چنگیزخان دریافته بود که حفظ قدرت و برتری ایلش در برابر تمدن‌های دیگر (چین و

۱۴. شبانکاره‌ای، ص ۳۴۶؛ برتولد اشپولر، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میر آفتاب، چاپ پنجم (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۳۷۳.

۱۵. ابوسلیمان داوود بناکتی، *تاریخ بناکتی*، به تصحیح جعفر شعار (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸)، ص ۷۲-۳۷۱؛ میرخواند، ص ۱۳۱؛ قاضی احمد تنوی و آصف‌خان قزوینی، *تاریخ الفی*، ج ۶ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۳۷۴۲.

۱۶. شبیرین بیانی، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، ج ۱ (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰)، ص ۱۱۰.

۱۷. ج. ساندرز، *تاریخ فتوحات مغول*، ترجمه ابوالقاسم حالت (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰)، ص ۷۲.

۱۸. اشپولر، ص ۳۷۶.

۱۹. و. و. بارتولد، *ترکستان نامه*، ترجمه کریم کشاورز، ج ۲ (تهران: آگاه، ۱۳۶۶)، ص ۹۵۶.

ایران) با پیروی از قانون صحرانشینی ممکن است؛ از این رو، قوانین یاسا را تدوین کرد که برگرفته از فرهنگ اویغوری، شبیه به فرهنگ صحرانشینی بود.^{۲۰}

قوانین یاسا به طور کلی عبارت بودند از:

۱) براساس این قانون، در آب رفتن و شستن چیزی در آب در بهار و تابستان ممنوع بود. زیرا مغولان، این عمل را موجب رعد و برق و صاعقه تصور می‌کردند. جوزجانی می‌نویسد اگر کسی، روی در آب می‌شست که آن آب روان نبود، خاطی را می‌کشتند، اما اگر کاری کمتر از این بود و آب روان بود، فرد را سه چوب، پنج چوب و ده چوب محکم می‌زدند. در واقع، آب، براساس اعتقادات مذهبی مغولان، برای آن‌ها مقدس بود و اعتقاد داشتند که ارواح در کنار آب‌های زلال زندگی می‌کنند.^{۲۱}

۲) بنا به گفته ابن بطوطه، یکی از اصول یاسا، اجرای خود آن بود. در صورتی که امیری یا حاکمی از قوانین یاسا سرپیچی می‌کرد، خلع او از قدرت واجب بود. طی جلسه‌ای به نام «طوی»، بزرگان، فرماندهان، شاهزادگان و برخی خانم‌های بزرگ، گرد هم جمع می‌شدند، سپس گناهان فرد را مشخص کرده، از قدرت عزلش می‌نمودند. پلن کارپن نیز می‌نویسد یکی از اصول یاسا این بود که اگر از بزرگان و شاهزادگان، کسی هوس پادشاهی به سرش می‌زد و قانون یاسا و احترام به آن را کنار می‌نهاد و قدرت خان را تهدید می‌کرد، باید بی‌درنگ نابودش نمود.^{۲۲}

۳) براساس یاسا، مغولان نسبت به دینی خاص یا قوم و طایفه‌ای ویژه، تعصب نداشتند. از نظر ایشان همه ادیان قابل پذیرش و همه‌ی طوایف و اقوام یکی هستند.^{۲۳}

۲۰. ولادیمیر تسوف، چنگیزخان، ترجمه شیرین بیانی (تهران: اساطیر، ۱۳۶۳)، ص ۱۷۸.

۲۱. بناکتی، ص ۳۸۷؛ منهج السراج جوزجانی، طبقات ناصری، به تصحیح عبدالحی حبیبی، ج ۲ (کابل: انجمن تاریخ افغانستان)، ص ۱۵۲؛ شمس الدین محمد بن محمود آملی، نفایس الفنون فی غرایس العیون، به تصحیح ابراهیم میانجی (تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۹)، ص ۲۵۱؛ بیانی، ج ۱، ص ۱۲.

۲۲. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، ج ۱ (تهران: آگاه، ۱۳۷۰)، ص ۴۵۱؛ کارپن، ص

۲۳. عطاء‌الملک جوینی، تاریخ جهانگشای، به تصحیح محمد قزوینی، ج ۱ (لیدن: نشر بریل، ۱۳۲۹)، ص ۱۹-۱۸؛

۴) همه‌ی علما و دانشمندان قابل احترام هستند، و سرباز مغولی باید به ایشان احترام بگذارد. علما از مالیات معاف بودند.^{۲۴}

۵) براساس یاسا، زنان مسئول تمام امورخانه در غیبت شوهرانشان در زمان جنگ و شکار بودند. وظایفی مانند راندن ارابه‌ها، نصب و جمع چادرها، نگهداری و چرای حیوانات اهلی را انجام می‌دادند. مارکوپولو می‌نویسد حتی در زمان حضور مردان نیز، زنان بیشتر امور مانند خرید و فروش، تهیه غذا، تهیه لباس و پرستاری بچه‌ها را بر عهده داشتند. در حالی که مردان به شکار حیوانات و صید ماهی و کارهای نظامی می‌پرداختند.^{۲۵} [به هر حال این قانون برای جامعه صحرائشین تدوین شده بود. جامعه‌ای که اقتصاد اصلی آن دامداری و تا حدی هم شکار بود.]

۶) براساس یاسا، دزدی، زنا، دروغ، خیانت یا جاسوسی، فرار از جنگ، جادوگری و قضاوت به ناحق ممنوع بوده و مجازات خاطی مرگ بود.^{۲۶} در این مورد و صاف می‌نویسد مغولان به سخن‌چین اعتماد نداشتند، اگرچه از عمل او سودی برده باشند و پس از حصول مقصود خود، او را مجازات می‌کنند.^{۲۷}

۷) از اوگتای نقل است مبنی بر اینکه بعد از مرگ چنگیز، وی در برابر پیشنهاد مغولان که وی جانشین پدر شود، می‌گوید بر اساس یاسای پدرمان، پسر کوچکتر صاحب یورت پدر و جانشین اوست. از این رو، تولی باید جانشین پدر شود. العرینی از مقریزی نقل می‌کند که براساس یاسا، پسر حق عصیان علیه پدر را ندارد؛ کوچکتر حق مخالفت با بزرگ را ندارد و زیردست باید احترام مافوق خود را داشته باشد.^{۲۸}

۸) میرخواند می‌نویسد یکی از اصول یاسا مربوط به قانون دیه بود. چنگیزخان، دیه یک مسلمان را چهل بالش زر و دیه هر فرد ختائی را یک درازگوش قرار داده بود.^{۲۹}

۹) یکی دیگر از اصول یاسا از این قرار بود: مغولان موظف بودند در هنگام لشکرکشی به جایی، ابتدا به سرزمین و حاکم مورد یورش نامه‌ای نوشته و از وی بخواهند که اظهار ایلی و

۲۴. جویی، ج ۱، ص ۱۹، ۱۸.

۲۵. مارکو پولو، *سفرنامه مارکو پولو*، با مقدمه جام ماسفیلد، ترجمه حبیب الهه صحیحی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰)، ص ۸۷؛ بناکتی، ص ۳۷۴؛ تسوف، ص ۹۴، ۹۳؛ العرینی، ص ۶۱.

۲۶. جوزجانی، ص ۱۵۲؛ میرخواند، ص ۶۴؛ ساندرز، ص ۷۲.

۲۷. عبدالمحمد آیتی، *تحریر تاریخ و صاف* (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۳۱.

۲۸. شبانکاره‌ای، ص ۲۴۹؛ العرینی، ص ۶۱.

۲۹. میرخواند، ص ۱۴۹.

اتحاد با مغولان بنماید. در صورتی که نپذیرفت و تسلیم نشد، وارد جنگ می‌شدند. کارپین می‌نویسد چنگیزخان امر کرده بود، مغولان همه جهان را تصرف کنند و با هیچ ملتی تا تسلیم نشده است، صلح نکنند.^{۳۰}

۱۰) براساس یاسا، فقط به خود حاکم، لقب خان و قآن (قان) می‌دادند. این خان برای همه‌ی مغولان قابل احترام و واجب‌الاطاعه بود. دیگر امرا، فرماندهان و شاهزادگان نباید لقب داشته باشند. به نظر جوینی، این کار، دو علت داشت: یکی برای حفظ قدرت خان بود و دیگری جلوگیری از قدرت گرفتن شاهزادگان و امرای بزرگ بود که جایگاه خان را تهدید می‌کردند.^{۳۱} ظاهراً خان سعی داشت تا اقتدار خود را حفظ کند. از این رو، قانونی تدوین کرده بود، مبنی بر اینکه امرایی که مرتکب گناه می‌شوند، اگر خان کمترین بندگان خود را برای دستگیری ایشان فرستاد، در برابر او بر خاک افتند، چون فرمان، فرمان خان است.^{۳۲} ظاهراً چنگیزخان انسان ساده‌ای بود که سعی می‌کرد تا سادگی‌های زندگی صحرائشینی را حفظ کند. وی نامه‌ای که به دستور او یکی از منشیان خوارزمشاه برای بدرالدین لؤلؤ نوشته بود، چون انشای سختی داشت نپذیرفت و به دانشمند حاجب دستور داد تا نامه‌ای ساده نوشته شود. آن منشی نیز به قتل رسید.^{۳۳}

۱۱) چنگیزخان در مورد شکار نیز قانونی تدوین کرده بود. بر این اساس، شکار آداب و آیین خاصی داشت. شکار در واقع فعالیتی برای آماده کردن سپاه برای جنگ محسوب می‌شد. برای شکار در گروه‌های بزرگ حرکت می‌کردند با تمام وسایل و آداب جنگی. اهمیت این موضوع تا جایی بود که به قول جوینی، اگر خطایی از کسی سر می‌زد که از شکار می‌گریخت یا خللی در شکار ایجاد می‌شد، مجازات وی سنگین و حتی قتل بود.^{۳۴} به زعم بارتولد و تسوف، شکار جنبه تهبیه‌ی آذوقه را نیز داشت. علاوه بر گله‌داری که اساس فعالیت‌های اقتصادی مغولان بود، شکار

۳۰. کارپین، ص ۵۸؛ میرخواند، ص ۶۴؛ تنوی و قزوینی، ج ۶، ص ۳۷۴۳.

۳۱. جوینی، ج ۱، ص ۱۹؛ میرخواند، ص ۶۵؛ العرینی، ص ۶۱

۳۲. موحدی، ص ۳۴ - ۳۱.

۳۳. تنوی و قزوینی، ج ۶، ص ۳۷۴۳.

۳۴. جوینی، ج ۱، ص ۲۰؛ میرخواند، ص ۶۷ - ۶۵؛ العرینی، ص ۶۱

نیز علاوه بر اهلی کردن حیوانات برای تهیه غذای مردم و به‌خصوص سپاه نقش مهمی داشت.^{۳۵}

۱۲) یکی دیگر از قوانین یاسا مربوط به سپاه و ارتش بود که مسائلی همچون چگونگی تقسیم سپاه، فرماندهان و ادوات جنگی را دربر می‌گرفت. بر این اساس، سپاه به سه گروه ده نفر «دهه»، صد نفر «صدهه» و هزار نفر «هزارهه» تقسیم می‌شد که کسی حق تغییر محل خدمت خود را نداشت. کسی که محل خدمتش را ترک می‌کرد، حکمش کشتن در برابر همگان بود و فرماندهی که آن شخص را پذیرفته بود، مجازاتش بسیار سنگین تعیین شده بود.^{۳۶}

۱۳) چنگیزخان دستور داده بود تا یام‌ها و یا دکل‌های پستی، بین راه‌های منتهی به شهرها بسازند. یام به اصطلاح همان پست امروزی است که در تاریخ ایران به چاپارخانه شهرت دارد. چنگیزخان غیر از انتقال سریع اخبار، ظاهراً از این امر برای ایجاد امنیت و سرکوبی دزدان نیز استفاده می‌کرد. او دستور مخصوصی صادر کرده بود تا در یام‌ها به اسب‌ها رسیدگی کنند.^{۳۷}

۱۴) براساس این قوانین، مغولان باید به شیوه‌ی سنت‌های خودشان گوسفند را ذبح کنند و اگر مغولی به روش مسلمانان ذبح کرد، مجازات او مرگ است. مسلمانان نیز نباید در معابر عمومی به روش خودشان ذبح کنند.^{۳۸}

۱۵ - یک مرد مغولی می‌توانست چند زن داشته باشد و به جز مادر و خواهر مادری (تنی) خود، می‌توانست با دیگر زنان ازدواج کند. مرد باید زن را بخرد که گاهی به همین دلیل، مبلغ گزافی بابت دختران پرداخت می‌شد. در واقع به همین علت نیز طلاق وجود نداشت و زن نمی‌توانست بعد فوت شوهرش به خانه پدری باز گردد. ازدواج مجدد وی یا از خانواده شوهرش به خصوص برادران شوهرش بود یا اگر به خارج از این خانواده می‌رفت، نیازمند اجازه خانواده شوهر بود. در زمان واحد یک مرد می‌توانست با دو خواهر ازدواج کند. بعد از فوت پدر، پسر می‌توانست با بیوه‌های پدر به غیر از مادر خودش ازدواج کند.^{۳۹}

۳۵. بارتولد، ص ۸۰۴؛ تسوف، ص ۸۸ - ۸۲.

۳۶. جوبینی، ج ۱، ص ۲۴ - ۲۳؛ میرخواند، ص ۶۷ - ۶۵.

۳۷. جوبینی، ج ۱، ص ۲۵ - ۲۴.

۳۸. ساندرز، ص ۷۲.

۳۹. کارپن، ص ۳۴ - ۳۳؛ ولی، ص ۱۳۴۳.

۱۶) دیگر قوانین آمده در کتاب مقریزی عبارتند از: ۱) اگر کسی اسیری یا برده‌ای متعلق به دیگری را اطعام کند یا لباس ببخشد، محکوم به قتل است. ۲) هر کس برده یا اسیری فراری را پیدا و از تحویل آن به صاحبش خودداری کرد، حکمش قتل است. ۳) در زمان لشکرکشی اگر باری از سرباز جلویی افتاد، سرباز پشتی موظف است وسایل را جمع کرده، به صاحبش باز گرداند. اگر از این عمل سر باز زد، حکمش قتل است.^{۴۰}

البته این قوانین به معنای ختم قانون و دستور برای فرماندهان و حاکمان نبود، بلکه فرماندهان اجازه داشتند یرلیغ‌ها و احکامی از سوی خود صادر کنند. از تامل در این قوانین می‌توان اطاعت محض ملل تابعه از چنگیزخان و به طور کلی از خان، اتحاد قبایل مغول، مجازات بی‌رحمانه و خشن مجرمان و حمایت از نظام پدرسالارانه را دید.^{۴۱} این بررسی کلی نشان می‌دهد که این قوانین ارتباط بین حاکم و محکوم و جامعه را دربر می‌گیرند.

علل روباوری و تقابل قوانین غالب و مغلوب

الف) تضادهای جغرافیایی و معیشتی

یاسای چنگیزخان مبتنی بر تعمیم زندگی شبانی و چادرنشینی و شکار در سطح جهان بود. در واقع یاسای چنگیزخان، فرمان باز پس راندن تاریخ به مراحل بود که سیر تحول تاریخ بشری آنرا پشت سر گذاشته بود. چنگیزخان همیشه در اردوهای چادر زندگی می‌کرد و مغولان را به این روش زندگی تشویق می‌نمود. مغولان نسبت به زندگی شهری بیگانه و از آن ترسان و متنفر بودند. آن‌ها در میان دیوار شهرها خود را زندانی احساس می‌کردند.^{۴۲} در واقع سرزمین فتح شده از سوی مغولان چند صد سال بود که از سطح فرهنگ شبانی و شکار فراتر رفته بود. جامعه ایران در زمان چنگیزخان، تا حدی نسبتاً زیاد، شهرنشین و یکجانشین بود. مارکوپولو در سفرنامه‌اش به هنگام عبور از شهرهای ایران چون تبریز، قزوین، کرمان و شاپور، به اقتصاد تجاری و تولیدی اشاره می‌کند. او از حیوانات و پرندگان این شهرها بحث می‌کند، اما هیچ اشاره‌ای به اینکه ایرانیان برای معاش به شکار می‌پردازند، نمی‌کند. اما وی به هنگام عبور از

۴۰. موحدی، ص ۳۴ - ۳۱.

۴۱. ساندرز، ص ۷۲؛ مرجان نگهبی، «یاسا و اثر آن بر نظام حقوقی ایران در عهد مغول»، رشد آموزش تاریخ

(شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۵)، ص ۵۱.

۴۲. محسن ثلاثی، جهان ایرانی و ایران جهانی (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۹)، ص ۹۹ - ۹۶؛ ساندرز، ص ۶۲ - ۶۰.

شهرهای ماوراءالنهر مانند بدخشان، کشمیر و غیره، بیان می‌دارد که شکار برای امرار معاش آن‌ها اهمیت فراوانی دارد و برای شکار روش‌ها و فنون خاصی ابداع کرده‌اند.^{۴۳} توصیفات مارکوپولو هرچه بر سرزمین‌های تحت تسلط مغولان نزدیکتر می‌شود، بیشتر زندگی دامداری و شکار را سیاق معیشتی معرفی می‌کند. در حالی که در ایران از شهرها و اقتصاد تجارتي به‌عنوان نوع معیشت بحث می‌کند. لمبتون می‌نویسد یغماگری گله‌داران مغولی، پیوسته مایه نگرانی مردم ده‌نشین در مجاورت مراتع و علفزارها بود. گوسفندان فراوان مغولان، به باغ‌ها و مزارع کشاورزان آسیب می‌زدند.^{۴۴}

ب) تفاوت‌های فرهنگی

پلان کارپن می‌نویسد از نظر مغولان گناه یعنی عمل کردن برخلاف سنت‌ها مانند: بازی با آتش به‌وسیله کارد و یا بیرون آوردن گوشت با کارد از درون دیگ، و گرفتن و کشتن بچه گنجشک و شلاق زدن اسب با لگام، در حالی که آن‌ها به این مسائل خرافی اعتقاد داشتند. برخلاف عوامل مذکور کشتن انسان، اشغال سرزمین دیگران، غارت اموال دیگران به ناحق، اقدام علیه قوانین الهی و آنچه دین روا می‌داشت را گناه نمی‌دانستند.^{۴۵} ایهام در پرستش و اعتقاد به خدا، مساله‌ای بود که جامعه ایرانی - اسلامی، در برابر آن نمی‌توانست بی‌تفاوت باشد. مغولان به خدای آسمان «تنگری» اعتقاد داشتند و زمین و آسمان را آفریده او می‌دانستند. آن‌ها خورشید و ماه را می‌پرستیدند و زمین را به عنوان مادر همه موجودات تعظیم می‌کردند. مغولان بعد از فوت چنگیزخان، به وی تقدس روح بخشیده و در میان خدایان قرارش دادند. این تقدس وی موجب تقدس قوانین یاسا نیز شده بود.^{۴۶} این دین ابتدایی که در عین اعتقاد به خدا، مظاهر طبیعت را می‌پرستید و احترام می‌گذاشت، نمی‌توانست در کنار اسلام و در ایران، شانه به شانه ادامه پیدا کند. اعتقاد این دین، مبنی بر ممنوع بودن در آب رفتن و شتشو در آن، برای مسلمانان ایجاد اشکال می‌کرد. به این سبب، اوگتای ناگزیر شد تا در این مورد تساهل و مدارا پیشه کند. او از

۴۳. مارکوپولو، ص ۶۳ ۳۲.

۴۴. آن. ک. س. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲)، ص

۱۶۷.

۴۵. کارپن، ص ۴۰ ۳۹.

۴۶. اشپولر، ص ۱۷۶ ۱۷۴.

دستورات شدیداً خشن جغتای در این مورد جلوگیری می‌کرد. جغتای، چون نسبت به یاسا اهتمام داشت، مورد احترام مغولان بود، اما مسلمانان نسبت به او بدبین بودند. جغتای در اجرای دو قانون یاسا یعنی ذبح گوسفند و در آب شستشو کردن، به شدت تعصب داشت و خاطی را مستحق کشتن می‌دانست. اما اوگتای با در پیش گرفتن سازش با عنصر ایرانی - اسلامی، تلاش داشت تا این اختلافات فرهنگی و مذهبی را برطرف سازد. از جمله اقدامات او برای دوستی، حمایت از ساخت مسجد بود.

میرخواند در اشاره به حمایت اوگتای از مسلمانان می‌نویسد روزی فردی مغولی به خانه مسلمانی یورش برد که او در خانه خویش گوسفند را به روش اسلامی ذبح کرده است. اوگتای ابراز داشت شخص مسلمان به قانون ما احترام گذاشته است. بنابراین، دستور داد تا آن فرد مغولی را به یاسا برسانند.^{۴۷}

پلن کارپن می‌نویسد مغولان غذای خود را با میهمان تقسیم می‌کنند. مهربانی بسیاری نسبت به هم به خرج می‌دهند. اما در برخورد با سایر اقوام مغرور هستند و همه را کوچک و اسیر خود می‌شمارند. آن‌ها به زیر دستان و کوچکتران خود، از پادشاهان دیگر سرزمین‌ها بیشتر احترام می‌گذارند و نسبت به بیگانگان بسیار خشم گرفته و زود مشتعل می‌شوند^{۴۸} که این امر برخلاف یکی قوانین یاسا مبنی بر برابر بودن همه اقوام و مذاهب بود. توصیفات کارپن به‌عنوان یک شاهد واقعی حوادث رخ داده در مغولستان که بعد از فوت چنگیزخان به آنجا مسافرت می‌کند، نشان می‌دهد که مغولان چگونه نسبت به سایر ملل بدبین هستند. اگرچه احتمالاً کارپن قصد اغراق داشته است، اما می‌توان پی برد خشونت طبع ایشان در برخورد با سایر ملل به‌خصوص ایرانیان در دوره‌ی فتوحات، تا حدی نشأت گرفته از این دیدگاه بوده است.

ظهور و بروز مشکلات و پیامدهای آن

پس از فوت چنگیزخان در مورد انتخاب جانشین وی، پسرانش به دستورات پدر احترام گذاشتند. از این رو، آرامش در قوریلتای حفظ گردید. اما بعد از این، در جریان جانشینی، اختلاف بین شاهزادگان بروز یافت که این مخالف فرمان یاسا بود که طبق آن باید به بزرگتر احترام گذاشت. شورش شاهزاده مدعی قدرت بر خان، نشان دهنده‌ی سقوط قدرت و جایگاه خان در نزد مغولان

۴۷. میرخواند، ص ۱۴۹؛ جوزجانی، ج ۲، ص ۱۶۸ - ۱۶۷؛ ساندرز، ص ۷۶؛ بیانی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴۸. کارپن، سفرنامه، ص ۴۶، ۷۷.

بود. بنابراین، بعد از مرگ منگوقاآن، به مدت هفت سال، بین برادران او برای کسب قدرت جنگ بود تا اینکه «اریغوکا» به نفع قوییلای کنار رفت.^{۴۹} این عصیان شاهزادها علیه خان، در بین ایلخانان ایران به دفعات متعدد مانند شورش ارغون و قونقورتای علیه تگودار، حرکت بایدو بر ضد گیخاتو و دشمنی غازان با بایدو بروز کرد. در مغولستان پس از مرگ گیوگ، زوجه‌اش «اغول غایمش» به نیابت، سلطنت را عهده‌دار شد. او که قصد داشت پسرش را جانشین کند، در اختلافات قدرت شرکت کرد. منگوقاآن پس از به قدرت رسیدن، اغول غایمش را به اتهام توطئه علیه خان به قتل رسانید.^{۵۰} به غیر از چنگیزخان در مغولستان، و هلاکو و غازان خان در ایران، سایر خانان و ایلخانان نتوانسته بودند جانشین مورد نظر خود را به قدرت برسانند. علاوه بر نقش شاهزادگان و مادران ایشان در برپا کردن شورش، حمایت امرا و اشراف نظامی از یک رقیب قدرت نیز به این دعواها دامن می‌زد. با تامل در این رویدادها، سقوط جایگاه خان آشکار می‌شود. منگوقاآن به هلاکو توصیه کرده بود تا به قانون یاسای چنگیزخان در کلیات و جزئیات عمل کند. هلاکو بودایی هواخواه مسیحیان بود. او از ساختن کلیسا و پرستشگاه بودائیان در شهرهای ایران حمایت می‌کرد. این اقدامات او، تا اندازه‌ای موجب تنزل اسلام شده بود. اباقا که مادرش مسیحی بود، هواخواهی بوداییان را در پیش گرفته بود. او پس از دستیابی به قدرت، یرلیغ‌ها و یاساهای قدیم و جدید را تازه گردانید و برای اجرای آن‌ها فرامینی صادر کرد. در زمان او، اتحاد با غرب علیه سرزمین‌های اسلامی مصر و شام مطرح شد.^{۵۱} احمد تگودار پس از به قدرت رسیدن با کمک عنصر ایرانی، با وجود اینکه برای مغولان تعیین نکرده بود تا مسلمان شوند، با مغولان درگیر شد. او شرب خمر را ممنوع کرد و نسبت به زیارت عتبات عالیات و وضع حجاج توجه خاصی داشت. همچنین دستور داد تا بتخانه‌ها و صومعه‌ها به مسجد تبدیل شوند. دستور داد تا جزیه و پوشیدن لباس مخصوص اهل جزیه دوباره برقرار شود. مستمری اطبا و منجمان یهودی را که زمان اباقا عنوان شده بود، قطع کرد. بنا به دستور او به یرلیغ، فرمان و به ایلچی، رسول می‌گفتند. او همچنین نامه‌ای به سلطان مصر نوشت و اعلام کرد در راستای

۴۹. ابوالفرج ابن عربی، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴)، ص ۳۷۵-۳۷۴.

۵۰. اشپولر، ص ۵۱-۳۸.

۵۱. میرخواند، ج ۵، ص ۲۳۰؛ ساندرز، ص ۱۲۹-۱۲۸؛ شبانکاره‌ای، ص ۲۶۴؛ منوچهر مرتضوی، *مسائل عصر*

ایلخانان (تهران: آگاه، ۱۳۷۰)، ص ۱۵، ۱۱۹.

تقویت اسلام، دشمنی با مملوکان را پایان می‌دهد. و صاف می‌نویسد چون سلطان احمد در گسترش اسلام و قوانین آن اهتمام داشت نظر شاهزادگان و امراء مغول نسبت به او دگرگون شد و در نهان و آشکار قیام کردند.^{۵۲} ضعف احمد تگودار موجب شد تا اجرای تمام این اهداف و برنامه‌ها تا روی کار آمدن غازان‌خان به تعویق بیفتد.

رقیب اصلی احمد تگودار، ارغون‌خان بود. وی مدعی بود تگودار قوانین یاسا را کنار گذاشته و قونقورتای را به قتل رسانده است. بنابراین، خود را مجاز می‌دانست برای اعاده این قوانین علیه تگودار برخیزد. طبقه قدرتمند مغولان از ترس اینکه اسلام، جانشین یاسا در بین آنها شود و سلطان، جای خان را بگیرد، از ارغون حمایت کردند. دوران حکومت ارغون، بازگشتی به سنن دیرین و اوج‌گیری قدرت آیین بودایی و دین یهودی زیر حمایت سعدالدوله وزیر اقتصاددان ارغون بود. ارغون و سعدالدوله از گذشته نسبت به مسلمانان سخت‌تر گرفتند. هرچند سعدالدوله قول داده بود با مسلمانان به رسم قرآن عمل کند، اما راه خشونت در پیش گرفت و به گفته مسلمانان قصد داشت کعبه را ویران نماید. در زمان ارغون نیز امیر بوقا از قوم مغولان صاحب قدرت زیادی شده بود. هرچند با توطئه امرای دیگر به قتل رسید، اما در دوران قدرتش بر ارغون تاثیر فراوانی داشت. طغان، دشمن اصلی بوقا، در نزد ارغون اعتراف کرده بود که بوقا به راحتی برخلاف دستورات خان عمل می‌کند.^{۵۳}

پس از درگذشت ارغون، ابتدا از گیخاتو خواستند تا بر مسند قدرت بنشیند، اما بیم از دست دادن قدرتشان، نظرشان را به سمت بایدو تغییر داد، اما موفق نشدند. ولی در جریان اختلاف بایدو با گیخاتو، از اولی حمایت کرده و گیخاتو را با زه کمان خفه نمودند.^{۵۴} بایدو نیز مانند ارغون بیان می‌کرد گیخاتو چون حکم یاسای چنگیزخان را دگرگون ساخته بود، مستحق بود او را نابود نماییم. وی پس از به قدرت رسیدن، تلاش داشت تا سنن مغولی را که با بی‌توجهی گیخاتو مواجه شده بودند، احیا کند. بنابراین، فرمان‌هایی برای اجرا و محافظت از یاسا صادر کرد. او در دشمنی با عنصر ایرانی و مسلمان، به بوداییان، یهودیان و مسیحیان قدرت بیشتری داده بود.

۵۲. آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۷۴ ۶۹: بیانی، ج ۲، ص ۴۱۳.

۵۳. ابن عبری، ص ۳۹۲ ۳۹۰: معین الدین نطنزی، *منتخب التواریخ معینی*، به اهتمام پروین استخری (تهران:

اساطیر، ۱۳۸۳)، ص ۱۱۰: جواد عباسی، «امرای مغول و اسلامگرایی در دوره ایلخانان»، *ساخت* (شماره ۳۸، سال

۱۳۸۲)، ص ۹۱: شیرین بیانی، ج ۲، ص ۴۲۱: آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۱۳۱: ساندرز، ص ۱۳۲.

۵۴. آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ۱۵۹ ۱۴۸.

بایدو صلیب به گردن انداخته بود و کشیشان به راحتی در اردوی او رفت و آمد می‌کردند. ساندرز می‌نویسد در این زمان بیشتر امرای مغول مسلمان شده بودند و همین اشخاص غازان را به قدرت رسانیدند.^{۵۵}

امیر نوروز، نامه‌ای به بایدو نوشته و عنوان کرد بر طبق یاسای چنگیز که امرای نباید به خاندان سلطنتی تعرض کنند، اکنون جمعی از امیران گیخاتو را کشته‌اند، آن‌ها را به غازان تحویل دهید تا براساس قوانین یاسا مجازات شوند.^{۵۶} غازان برای تنبیه مغولان، اختیارات و از جمله یک هزار از لشکر مغول را به سعدالدین ساوجی واگذار کرد تا به مسائل رسیدگی کند. این قدرت‌گیری نظام دیوانی ایرانی در برابر نیروی مغولان، وزنه‌ی دعوای فرهنگی و قانونی را نیز به نفع ایران تغییر داده بود.^{۵۷}

به‌طور کلی، دستورات صادر شده از سوی ایلخانان در مورد قوانین یاسا نیازمند پشتیبانی برای اجرا بود. این مسئله ضرورت داشت حاکم و ایلخانی قدرتمند در مسند قدرت باشد. در حالی که جز هلاکو و غازان‌خان، ایلخانی دیگر نبود تا چنین صفاتی داشته باشد. به‌علاوه، غازان اسلام آورده و بیشتر هدفش استفاده از قوانین اسلامی برای ایجاد پیوند بین دو فرهنگ بود. در نتیجه اصلاحات غازان‌خان، روابط نزدیک و دوستانه بین جامعه ایرانی و مغولان هر چند از گذشته شروع شده بود، عملی شد. خوافی می‌نویسد الجایتو به‌دلیل دوستی و احترام به برادرش غازان، نواب و گماشتگان او را تغییر نداد.^{۵۸} شبانکاره‌ای نیز می‌نویسد الجایتو قوانین عدل برادر را راسخ نمود و بعضی از موارد عدل و انصاف بر آن افزود.^{۵۹} ظاهراً نزدیکی فکری و مذهبی الجایتو به برادرش (هر دو مسلمان بودند) و اقرار الجایتو بر استعداد مدیریتی غازان‌خان، در حفظ کارگزاران و برنامه‌های ایلخان پیشین نقش بیشتری داشته است. الجایتو در اعتراض یکی از امرای مغول در دعوای مذهبی که چرا به یاسای چنگیزخان باز نمی‌گردند، می‌گوید ما در دین اسلام بسیار

۵۵. ساندرز، ص ۱۳۳.

۵۶. بناکتی، ص ۴۵۱؛ آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۱۷۹.

۵۷. شیرین بیانی، ص ۴۳۶-۴۳۴؛ جواد عباسی، «آخرین روزهای غازان و بحران در حکومت ایلخانان»، *تاریخ*

ایران (شماره ۶۲ سال ۱۳۸۹)، ص ۸۴-۸۲.

۵۸. فصیح احمد بن جلال الدین خوافی، *مجمل فصیحی*، به تصحیح محمود فرخ (مشهد: کتابفروشی باستان،

۱۳۳۹)، ص ۱۲.

۵۹. شبانکاره‌ای، ص ۲۷۰؛ بناکتی، ص ۴۷۵-۴۷۴.

کوشیده‌ایم و نمی‌توانم آنرا ترک کنیم،^{۶۰} نشان می‌دهد که اسلام آوری مغولان در این زمان ریشه گرفته بود. مستوفی می‌نویسد الجایتو در تقویت اسلام، ادیان دیگر را منسوخ نمود و جزیه را برقرار ساخت. دستور داد تا اهل جزیه از اهل اسلام با لباس و نشانه‌ای متمایز باشند.^{۶۱} ابوسعید، جانشین اولجایتو چون خردسال بود، امیر چوپان به نیابت از او حکومت را اداره می‌کرد. امرا به فرامین و خواسته‌های ابوسعید تا پیش از جنگ و درگیری بین ابوسعید و خودشان وقعی نمی‌نهادند. حتی بعد از پیروزی بر امرای شورشی نیز ابوسعید همچنان تحت نفوذ امرا بزرگ بود. مستوفی می‌نویسد: «چنانکه بر پادشاه از جهانداری نامی بیش نبود.»^{۶۲} از این رو، ابوسعید بارها نسبت به این بی‌احترامی به امیر چوپان شکایت کرده بود تا بتواند جایگاه حقیقی یک خان مغولی را براساس یاسای چنگیزخان به‌دست آورد.^{۶۳} تزلزل و ضعف جایگاه خان نشان می‌دهد در زمان ابوسعید چقدر مغولان از قوانین یاسا در مسائل سیاسی فاصله گرفته‌اند. امرا و فرماندهان نظامی، برخلاف فرامین یاسای چنگیزخان که حتی در برابر کمترین بنده‌ی خان نیز می‌بایست از خان اطاعت کنند، حال با خود خان وارد جنگ شده بودند. در زمان الجایتو و ابوسعید که مصالحه بین مغولان و ایرانیان کاملاً شکل گرفته بود، حاکمیت اسلامی - ایرانی تسلط یافت. بزرگان و نظامیان مغولی هر چند تلاش پر دامنه‌ای برای مطرح کردن آداب و سنن مغولی و قوانین یاسا نکردند، اما از هر فرصتی برای بازگشت استفاده می‌کردند. «تغلق شاه نویان» در زمان غازان به هنگام محاصره شام به غازان توصیه کرد تا براساس روش‌های جنگی موجود در قانون یاسا عمل کرده و شهر را تخریب کند که با مخالفت غازان مواجه شد.^{۶۴} از این بحث می‌توان به این یافته رسید که از عصر هلاکو تا اباقا، قوانین یاسا و سنن مغولی نقش اولی داشت. در مدت کوتاه حکومت احمد تگودار، قوانین اسلام مطرح شدند، اما در نهایت پیروزی با مغولان بود. در سال‌های پایانی حکومت بایدو، گروه جدیدی از مغولان به اسلام گرایش داشتند. از این رو، پذیرش اسلام از سوی غازان، موجب تعمیم این اندیشه در بین اکثریت مغولان ایران

۶۰ ابوالقاسم عبدالله بن محمد قاشانی، *تاریخ اولجایتو*، به اهتمام مهین همبلی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۴۸)، ص ۹۹، ۹۸.

۶۱ حمدالله مستوفی، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۹)، ص ۶۰۷، ۶۰۶.

۶۲ همانجا.

۶۳ شبانکاره‌ای، ص ۲۸۰، ۲۷۴؛ عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع السعیدین و مجمع البحرین*، به تصحیح عبدالحسین

نوایی (تهران: زبان و فرهنگ ایران، ۱۳۵۳)، ص ۳۰، ۲۹.

۶۴ عباسی، «امرای مغول و اسلامگرایی در دوره ایلخانان»، ص ۱۰۲؛ تتوی و قزوینی، ج ۶، ص ۳۷۴۲.

شد. از این زمان به بعد تا سقوط حکومت مغولان، به تدریج نقش اول قانونی و شرعی در جامعه و حاکمیت ایلخانان به قوانین اسلام و فرهنگ ایرانی داده می‌شود.

دیوان‌سالاران و اندیشمندان ایرانی رقیب اصلی اندیشه قانونی چنگیزخان شده بودند. تعامل ایرانیان عالم و دانشمند با مغولان، سیاستی حساب شده بود که تلاش داشت تا مشی حکومتی و قانونی مغولان را در برخورد با جامعه، فرهنگ و اقتصاد ایرانی در جهت همزیستی با عناصر بومی تعدیل کند. محمود یلواج و پسرش مسعودیگ، از ایرانیان خوارزمی، در خدمت چنگیزخان و اوگتای بودند. آن دو با نفوذ به خلق و خوی مغولان در آرام‌تر شدن ایشان تاثیر داشتند. زمانی که کورگوز از سوی محمود یلواج حکومت خراسان یافته بود، مسلمان شد، دیگر امرا مغول، اسلام و روش مسلمانی او را بهانه توطئه و قتلش ساختند.^{۶۵} در زمان اوگتای، ایرانیان بسیاری ظاهراً حاکم شهرها بودند. جغتای که از این مساله احساس ترس داشت و نمی‌خواست آن‌ها قوانین خود را به جای یاسا عملی سازند، اوگتای را تشویق به کنار گذاشتن آن‌ها می‌کرد. خواجه نصیرالدین طوسی در خدمت و همنشین هلاکو بود. ظاهراً او به فرمان و خواست هلاکو، مامور بود در زمینه آداب سلطنت کتابی بنویسد که به احتمال همان /اخلاق ناصری یا بخش‌هایی مربوط به قانون و سیاست آن است. این کتاب در سیاست‌های هلاکو بی‌تاثیر نبود. در واقع آداب سلطنت از سوی کسی نوشته شده بود که خود به جامعه و فرهنگ ایرانی - اسلامی در برابر مغولان معتقد و مدافع بود. خواجه نصیر، علاوه بر اینکه مسئول رسیدگی به اوقاف بود، تلاش داشت تا از شیعیان به طور خاص و تمام علما و روحانیون به طور عام حمایت و محافظت کند. در سایه اقدامات او علم فقه و احکام محافظت شدند.^{۶۶}

بهاء‌الدین جوینی در مدت خدمت خود به جنتمور، کورگوز و ارغون‌آغا توانسته بود نفوذ زیادی پیدا کند. او تشکیلات دیوانی را به کار انداخت و تلاش بسیاری داشت تا فرهنگ و قوانین ایرانی - اسلامی را محافظت نماید. حتی به باور شیرین بیانی، او در اسلام آوردن امیر نوروز بی‌تاثیر نبوده است، زیرا با امیر ارغون، پدر نوروز ارتباط نزدیک و صمیمانه‌ای داشته است.^{۶۷} شمس‌الدین جوینی، وزارت هلاکو، اباقا و سلطان احمد تگودار را عهده‌دار بود. اما قدرتش در عصر اباقا بیشتر از دو دوره‌ی قبلی و بعدی بود. ناصرالدین کرمانی می‌نویسد به

۶۵ بیانی، ج ۱، ص ۱۳۹ - ۱۳۸.

۶۶ همان، ص ۳۵۳ - ۳۵۰، ۱۳۳.

۶۷ همان، ج ۲، ص ۳۸۷ - ۳۸۵.

برکت وجود این مرد بلاد آبادان، رعیت راضی، جمهور و سپاه مرتب و اموال فراوان بود. جوینی برای به قدرت رساندن احمد تگودار در مبارزه با ارغون تلاش فراوانی انجام داد. زیرا احمد تگودار مسلمان شده بود، در حالی که ارغون نسبت به سنن مغولی بسیار پایبند بود. پژوهشگری دیگر معتقد است برافتادن خاندان جوینی و توطئه چینی‌ها از سوی بزرگان مغولی مانند حمایت طغاجار و جوشی از مجدالملک، دشمن درجه یک شمس‌الدین جوینی، خالی از مسائل درگیری فرهنگی و اندیشه‌ای نبوده است.^{۶۸} در واقع، بعد از افول خاندان جوینی و حامیان و زیردستان دانشمند ایشان بود که اسلام و مسلمانان با روی کار آمدن ارغون و وزیرش سعدالدوله یهودی تحت فشار قرار گرفتند. سعدالدوله در دوران وزارت خویش بر مسلمانان سخت می‌گرفت و بزرگان دینی را آزار می‌داد. در نتیجه شکنجه و تهدیدهای او عالمان بسیاری کشته شدند. اقوام و خویشان خود را که سیاست و تدبیر ملک نمی‌دانستند، بر پست‌های مختلف گماشت و به قدرت رساند. وی از قدرتش در خلع و ضعیف کردن امرای مغول نیز استفاده نمود، تا جایی که اشراف مغول، مطیع او شده بودند. در واقع، سعدالدوله با زیرکی از اختلاف بین دو عنصر ایرانی و مغول به نفع قدرت خود استفاده کرد و با تحریک ارغون به این دشمنی دامن زد. او ارغون را تحریک کرده بود تا ایرانیان را به پست‌های دیوانی نگمارد. در نهایت نیز امرای مغول او را به قتل رساندند.^{۶۹} علاءالدوله مورخ، برادر شمس‌الدین جوینی در کتاب *تسلیه الاخوان* که برای تبرئه خود و برادرش از توطئه‌ها نگاشته است، می‌نویسد هلاکو قدرت کاملی در اختیار اینجانب در مورد اداره بغداد گذاشته بود. وی از فعالیت‌های عمرانی خود در بغداد مانند آباد کردن بایرها، دهات و خرابی‌ها نام می‌برد.^{۷۰} این اقدامات به‌خصوص تبدیل بایرها و چراگاه‌ها به زمین احتمالا کشاورزی و توجه به زندگی یکجا نشینی کاملاً در تضاد با اقتصاد دامداری و زندگی کوچ‌روی مغولان قرار داشت. جوینی با قدرتی که داشت، احتمالاً می‌توانست مغولان موجود در بغداد را وادار به پیروی از اوامر خود کند. جلال‌الدین سمنانی، وزیر ارغون، شخصی آشنا و آگاه به قانون

۶۸ عباسی، «امرای مغول و اسلامگرایی در دوره ایلخانان»، ص ۸۸، ۹۲.

۶۹ آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۱۳۶، ۱۳۳، ۴۰؛ ناصرالدین منشی کرمانی، *نسائم الاسحار من لطائف الاخبار*،

به تصحیح جلال‌الدین حسینی محدث (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۲۶)، ص ۱۰۹، ۱۰۸؛ عباسی، «امرای مغول و اسلامگرایی در دوره ایلخانان»، ص ۹۲ و ۸۸؛ بیانی، ج ۲، ص ۴۲۵.

۷۰. عطاء‌الملک جوینی، *تسلیه الاخوان*، به تصحیح عباس ماهیار (تهران: انتشارات آباد، ۱۳۶۹)، ص ۶۲، ۶۰.

یاسا بود. هر چند سخن و استدلال او در نظر خان مورد قبول بود، اما در نهایت در درگیری با سعدالدوله یهودی از پای درآمد.^{۷۱}

در زمان غازان، امیر نوروز با وجود اینکه از امرای مغول بود، موجبات اصلاح مذهبی غازان را فراهم کرد. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نیز بنا به گفته‌ی برخی محققان و منابع، مبتکر اصلاحات غازان‌خان بود. پطروشفسکی عنوان می‌کند جهان‌نگری رشیدالدین همدانی براساس شریعت اسلام و سنت‌های ایرانی قرار داشت. از نظر او غازان سلطان اسلام و خسرو ایران بود که پادشاه ممالک ایران بوده است نه اولوسی از اولوس مغول. رشیدالدین در راستای ارتقای زندگی و وضع مادی رعایا، محله‌های خراب به‌خصوص در خوزستان را آباد کرد. پنج روستا در خوزستان و پنج روستا در تبریز بنیان نهاد و افرادی از خانواده‌ها را در آن‌ها اسکان داد. سیاست تمرکزگرایی او با بهره‌گیری از سنت‌های کهن ایرانی در برابر یاسا و اشرافیت مغول - ترک قرار داشت؛ اشرافیتی که به دنبال سیاست اقطاعی و مرکزگریزی بودند. این خصومت به سقوط رشیدالدین منجر شد و در اواخر حکومت مغولان در نتیجه این سیاست (مرکزگریزی) خان ایلخانی ملعبه دست اشرافیت مغولی - ترکی شده بود.^{۷۲}

بررسی و تفسیر قوانین یاسا نشان می‌دهد که این قوانین از تعادل منطقی برخوردار نبود. بی‌تعصبی در دین و حمایت از یک قوم، ظاهراً خود مغولان و ایلخانان را در برخورد با سایر اقوام و ملل شامل نمی‌شده است. البته هر کدام از ایلخانان از تساهل و بی‌تعصبی مذهبی و قومی برداشت مخصوص به خود را داشتند. در این مورد شبانکاره‌ای می‌نویسد «...چنگیزخان ادیان و اهل ملک را باطل نمود و با هر قومی که سر داشت آشتی نمود و به اعلیٰ علیین رسانید و با کسانی که نسبت به او دشمن بودند نام و نشانشان از زمین تا یوم الحشر پاک نمود و از خود بر جای ایشان گذاشت...»^{۷۳} همه مجبور بودند از خواسته‌های چنگیز و خانان دیگر پیروی کنند. در این صورت بود که این عدم تعصب عملی می‌شد. با وجود اینکه چنگیزخان در آغاز به قوانین یاسا تقدس آسمانی داده بود تا آن را عملی سازند، اما بی‌تعصبی دینی و اندیشه‌ای مغولان در بی‌توجهی آن‌ها به قوانین یاسا تاثیر مستقیم داشت.

۷۱. منشی کرمانی، ص ۱۰۷ - ۱۰۶.

۷۲. آی. پ. پطروشفسکی، «دولت در دوره‌ی ایلخانان»، *ایلخانان*، ترجمه یعقوب آژند (تهران: انتشارات مولی،

۱۳۸۴)، ص ۴۹، ۵۹؛ لمبتون، ص ۱۹۹ - ۱۹۰.

۷۳. شبانکاره‌ای، ص ۲۲۴.

سپاهی‌گری و شکار که از اهم قوانین یاسا بود، برای جامعه ایران مشکلات عدیده‌ای به بار آورد. این سپاه بزرگ به هنگام حرکت و اردو زدن در مکانی به علوفه و چراگاه‌های وسیع نیاز داشت. از همین رو بود که هلاکو دستور داده بود تا تمام چراگاه‌ها و مراتع سر راه از قراقروم تا جیحون را قُرُق کنند. همچنین دستور داده بود تا ساکنان این مراتع را به مناطقی دیگر کوچ دهند.^{۷۴} فضل الله همدانی می‌نویسد مغولان در هنگام رفتن به شکار یا رفتن ایلچیان به شهری دیگر، حیوانات اهلی مردم را شکار می‌کردند. گاهی به واسطه تیراندازی، بچه‌ها زخمی یا کشته می‌شدند. گاهی نیز اسباب‌خانه مردم را می‌بردند.^{۷۵} جوینی می‌نویسد در زمان اباق‌خان، سپاهی به فرمان منگو تیمور به جانب شام برای جنگ و شکار حرکت کرد. این سپاه تعدادش بسیار بود، تا جایی که فضای کافی در مسیر برای حرکت این سپاه وجود نداشت. این سپاه پس از اردو زدن در طول شکار، آب را بر روی کشاورزان بسته بود و روستائیان معاش شکارچیان را فراهم می‌کردند.^{۷۶}

تضادها و تفاوت‌های موجود بین قوانین و سنن جامعه ایرانی با سنن مغولان، یکی از علل اختلاف شده بود. قوانین یاسا مانند بسیاری از قوانین اعصار گذشته از اصل عدم تناسب جرم و مجازات پیروی می‌کرد و گاهی به جای فرد مجرم، خانواده و فرزندان او را مجازات می‌کردند. در بحث دیه که دیه فرد مسلمان بیشتر از فرد ختایی بود، در بین دیه و حقوق زن و مرد تفاوتی قائل نشده بود. هر چند این نیز یکی از دلایل آزادی بیشتر زن در جامعه مغولان بود، اما اسلام و قوانین جاری آن بین دیه و حقوق زن با مرد تفاوت قائل شده بود.^{۷۷} این در حالی بود که اسلام از مجازات کردن کسی دیگر به جای مجرم دوری داشت. چنانکه قرآن به دفعات متعدد بیان می‌کند کسی را به جای کسی عذاب یا پاداش نمی‌دهیم.

چنگیزخان با وجود اینکه در قوانین یاسا شراب خواری را تعدیل کرده بود، اما خودش نسبت به نوشیدن آن علاقه داشت. در منع نوشیدن شراب یا قمیز (شراب مخصوص مغولان از شیر مادیان) قوانین او سخت و شدید نبود. شراب خواری مغولان یک مسأله مشکل‌ساز در این

۷۴. بیانی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۷۵. خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، تاریخ مبارک غازانی، به اهتمام کارل یان (انگلستان: بی‌نا، ۱۳۵۸)، ص

۳۵۸.

۷۶. جوینی، تسلیه الاخوان، ص ۱۰۵ - ۱۰۲؛ لمبتون، ص ۱۷۲.

۷۷. نگهی، ص ۵۲.

دوره‌ی حکومتی بود. امری که یکی از موارد اصلاحات غازان‌خان شده بود. زمانی که الملک الکامل، حاکم دیار بکر به خدمت منگوقاآن رفته بود، در مجلس شراب از نوشیدن آن امتناع کرده و گفت شراب در دین آنها ممنوع است.^{۷۸} تضاد دیگر مربوط به آب بود. اسلام آب را عامل پاکی می‌دانست، در حالی که مغولان رفتن در آب را ممنوع می‌دانستند. مغولان زن را می‌خریدند، از این رو طلاق نیز نداشتند، اما اسلام زن را آزاد می‌دانست که با انتخاب خود ازدواج می‌کرد. هر چند براساس سنت در ایران نیز دختران غالباً با انتخاب والدین ازدواج می‌کردند، اما به شوهر فروخته نمی‌شدند.

هر چند چنگیزخان مقرر کرده بود تا مغولان نسبت به دین خاصی تعصب نداشته باشند، اما در عالم واقع، گرایش هر کدام از ایلخانان به هر دینی موجب می‌شد تا تشکیلات دگرگون شوند. در این بین، افراد از سر مناصب برداشته و یا کشته می‌شدند. در سطح وسیعتر اداره ولایات مدتی دچار آشوب می‌گردید.^{۷۹} آخرین سیاست مغولان برای حفظ قدرت و تداوم سلطنت ایشان، سیاست مصلحتی اسلام آوردن ایشان بود. بررسی اوضاع آن عصر نشان می‌دهد، گذشته از اینکه اکثریت ایرانیان بر دین و فرهنگ خود پافشاری می‌کردند، حکومت‌های مملوکان که حریف سرسخت و شکست‌ناپذیر در برابر مغولان بودند و اولوس جوجی که مسلمان شده بودند، تهدیدی جدی برای مشروعیت حکومت ایلخانان محسوب می‌شدند. اسلام آوری ایشان در تعدیل اجحاف و خشونت آن‌ها و حمایت از نقشه‌های علمی و عمرانی وزرای ایرانی چون خواجه رشیدالدین و خواجه غیاث‌الدین محمد تاثیر داشت.^{۸۰}

چنگیزخان امور قضایی را به شی-گی-قوتوقو سپرده بود. او مسئول بود تا به مسائل دزدی و فریب پردازد و آنرا که شایسته مرگ بود بکشد. چنگیزخان به وی دستور داده بود تا آن‌ها را بنویسد تا آیندگان آن روش‌های مجازات و قضاوت را فراموش نکنند.^{۸۱} این همان شخصی است که مورگان تصور می‌کند قوانین یاسا از سوی وی ابداع و تدوین شده‌اند. بررسی مناصب دیوانی و نظامی عصر مغول نشان می‌دهد که دیوان و یا منصبی خاص برای رسیدگی به مسائل قوانین یاسا از نوشتن تا اجرا کردن آن شکل نگرفته بود. نظامی‌گری که یکی از قوانین یاسا بود

۷۸. بارتولد، ج ۲، ص ۹۵۵ - ۹۵۴؛ بیانی، ج ۲، ص ۱۴۸.

۷۹. بیانی، ج ۲، ص ۳۷۲.

۸۰. عباسی، «امرای مغول و اسلامگرایی در دوره ایلخانان»، ص ۸۷؛ مرتضوی، ص ۱۷۳، ۱۸۷.

۸۱. بارتولد، ج ۲، ص ۸۱۵؛ مورگان، ص ۱۱۷.

مناصبی مانند امیر، تومان و نوین داشت، اما ارتباطی به قوانین یاسا نداشت. قضاوت بین ترک‌ها و مغولان براساس قانون «یارغو»^{۸۲} بود که رئیس آن را «امیر یارغو» می‌گفتند. لقب مسئول تدوین قوانین یارغو، «بخشی» بود. به «شحنه» نیز که مسئول رسیدگی به بازار و جامعه بود، دستوری برای رسیدگی به قوانین یاسا داده نشده بود.^{۸۳} ظاهراً مسئول اصلی رسیدگی به یاسا خود خان بود. او دستورات در مورد یاسا را به وزیر و دیگر کارکنان دولتی می‌داده است. نظیر جویی که می‌نویسد هلاکو مرا یاساهایی متعدد سپرد تا در بغداد عملی کنم. معلوم می‌شود مسئولیت اجرای یاسا از سوی خان به ایرانیان مدیر بیشتر از خود مغولان که نظامی بودند، سپرده می‌شد. بررسی کتاب *نسائم الاسحار* منشی کرمانی نشان می‌دهد که در اتهامات وارد شده به وزرای چون جویی، سعدالدوله و صدرالدین که هر سه به یاسا رسیدند - یعنی کشته شدند - اشاره‌ای به قوانین یاسا نمی‌رود. اجرای یاسا وابسته به قدرت خان بود. هرچند امرای ادعا می‌کردند که حامی قانون یاسا هستند، اما در هر فرصتی از دستورات خان سرپیچی می‌کردند. ضعف قدرت خان به معنای ضعف اجرای قوانین یاسا بود و سقوط یکی سقوط دیگری. اکثر ایلخانان ایران قدرت جسمی و فکری کافی نداشتند. اغلب آن‌ها مانند غازان در سنین پائین فوت کردند.^{۸۴}

اصلاحات غازان نشان می‌دهد که مغولان در اجرای سنت‌های خود با شکست مواجه شده‌اند. عدم موفقیت مغولان در تحمیل سنن خود به ایرانیان موجب شد تا این اصلاحات برای حفظ تداوم حکومت و ایجاد مودت بین دو قوم صورت پذیرد. این اصلاحات بیشتر در راستای حمایت از عنصر و قوانین اسلامی قرار داشت و مغولان را وادار کرد تا همراه غازان مسلمان شوند. در واقع غازان با پذیرش پیشنهاد اصلاحات، نظام سیاسی و کشورداری ایرانی را پذیرفت و خود را از نظامیان مغولی دور ساخت. این اصلاحات ادغام فرهنگ و قوانین مغولی را در فرهنگ ایرانی - اسلامی شدت بخشید.^{۸۵} پس از این اصلاحات بود که شعار نگاه یکسان نسبت به همه‌ی اقوام و مذاهب که به ندرت در تمام دوران ایلخانان در ایران عملی شده بود، از بین رفت. غازان پیش از اسلام به شدت تحت تاثیر بودائیان مسیحی قرار داشت. او زمان زیادی را در

۸۲. دادگاه قضایی مغولان.

۸۳. غلامرضا وره‌رام، *نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از عصر مغول تا پایان قاجاریه* (تهران: موسسه

مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸)، ص ۱۰۳ - ۳۵.

۸۴. ساندرز، ص ۱۴۰ - ۱۳۰.

۸۵. ثلاثی، ص ۷۱ - ۲۷۱.

بتخانه‌ها سپری می‌کرد. در حکومت خراسان بتخانه‌هایی در خوشان ساخت.^{۸۶} غازان بتخانه‌ها و کلیساها را خراب کرد و به جای آن‌ها مسجد و مدرسه و بقاع برپا کرد. به لاماها^{۸۷} و بزرگان بودایی فشار آورد تا مسلمان شوند یا ایران را ترک کنند. همچنین مجلس و دیوان رفع مظالم ترتیب داد و عنوان کرد به جز دیوان قضا کسی حق اجرا و نوشتن قانون ندارد. برای مهار ایلچیان که درخانه‌های مردم اتراق می‌کردند در مسیر یام‌ها یا چاپارخانه، ساختمان‌هایی برای اسکان ساخت و لوازم ضروری زندگی را در آن‌ها قرار داد تا ایلچیان مزاحم مردم نشوند. فضل‌الله همدانی می‌نویسد گاهی تعداد ایلچیان در یک شهر به صد تا دویست تن می‌رسید. این ایلچیان در بهترین خانه‌ها فرود می‌آمدند. از این رو، مردم، خانه‌ی خود را زشت می‌ساختند تا مورد توجه ایلچیان قرار نگیرند. پیرمردی به گوش غازان‌خان رسانید اگر این جریان ادامه یابد، معلوم نیست سال دیگر چند بچه نامشروع در شهر متولد خواهند شد. از این رو، غازان دستور داد تا بین راه‌ها ایلچی‌خانه بسازند و اتراق ماموران و ایلچیان و محصلان مالیاتی را در خانه‌های مردم ممنوع کرد.^{۸۸} غازان این رسم مغولان را نیز که بعد از فتح مناطق، دختران زیبارویی را اسیر گرفته و برای خان می‌آوردند، ممنوع کرد و برای جلوگیری از فساد و فحشا دستوراتی اکید به اطراف حکومت صادر کرد.^{۸۹} وی موفق شده بود شکست تگودار را در انتخاب عنوان «سلطان» جبران کند و با انتخاب این عنوان، تنها لقب پذیرفته شده در قوانین یاسا یعنی عنوان قآن و خان را کنار نهاد.^{۹۰}

غازان چند روستا را وقف کعبه کرد. چند روستا نیز برای حضرت رضا (ع) وقف کرد. همچنین به خاطر علاقه‌ای که به سادات داشت، اوقاف بسیاری برای آن‌ها مقرر نمود.^{۹۱} خریدن زن براساس قانون یاسا، یعنی نبودن طلاق در حکم یاسا؛ بنابراین غازان حکم طلاق را رسمی کرد و براساس حدود اسلامی برای طلاق حد و مرز مشخص نمود. وی دستور داد تا کابین زنان^{۹۲} را نوزده دینار قرار دهند. همچنین یرلیگی صادر کرد تا برای پاکی و استحمام مسلمانان

۸۶. فضل‌الله همدانی، ص ۱۶۶ ۱۶۵.

۸۷. لاماها یک گروه از روحانیون بودایی بودند که بیشتر از تبت به ایران آمده و قدرت زیادی نیز به دست آوردند.

۸۸. فضل‌الله همدانی، ص ۳۲۶ - ۳۲۲.

۸۹. همان، ص ۱۹۱ ۷۹؛ نطنزی، ص ۱۱۳ ۱۱۲؛ مستوفی، ص ۶۰۳ ۶۰۲؛ مورگان، ص ۱۹۰.

۹۰. مرتضوی، ص ۱۲.

۹۱. شبانکاره‌ای، ص ۲۶۹؛ آملی، ص ۲۷۵.

۹۲. مهریه.

در روستاها حمام بسازند و اگر کسی از فرامین سلطان در این زمینه سرپیچی کند، مجرم و گناهکار بوده و مجازات شود. فضل الله همدانی می‌نویسد هر روز شراب خواران به بازار می‌آمدند و در کسب و کار خلل ایجاد می‌کردند، در این راستا، غازان، یرلیغ منع شراب خواری صادر نمود و اعلام کرد انجام این عمل در معرض عموم مجازات شدیدی دارد.^{۹۳} این اعمال غازان در تضاد با قوانین چنگیزخان قرار داشت. البته غازان از برخی قوانین یاسا نیز حمایت کرد. او طی یرلیغی دستور داد تا براساس یاسای چنگیزخان به علما، بزرگان و قاضیان احترام بگذارند و ایشان را از پرداخت مالیات معاف کنند.^{۹۴} همچنین با نوشتن و ارسال کردن نامه‌هایی گوناگون تاکید داشت تا قاضیان براساس شرع و قوانین اسلام با دقت بسیار قضاوت کنند. اما دستوری برای اجرای یاسا از سوی وی در منابع به‌خصوص تاریخ مبارک غازانی ثبت نشده است.

ساندرز معتقد است هر چند غازان با اسلام آوردن، جدایی بین جمعیت ایرانی و مغولی را برطرف کرد، اما موجب نارضایتی پیروان دیگر مذاهب مثل بودائیان و مسیحیان شد.^{۹۵} مغولان نیز از اینکه یاسای چنگیزخانی به نفع احکام اسلام و لقب و منصب سلطانی کنار رفت، ناراحت بودند. مورگان معتقد است پس از این اصلاحات مغولان بسیاری شهرنشین و یکجانشین شدند و در نتیجه سنن مغولی و تبعیت از قوانین یاسا کنار گذاشته شد.^{۹۶} پطروشفسکی نیز می‌نویسد فرمان‌های غازان، از زور و خشونت امیران و اهل خانه آنان و کارمندان مغولی بر ضد مردم جلوگیری کرد.^{۹۷}

تقسیم‌بندی سیاسی حکومت مغولان در ایران به سه مرحله، توسعه‌طلبی و زندگی با سنت‌های کهن مغولی، مرحله ایرانی مآب شدن مغولان که از عصر غازان به بعد شروع شده بود و در نهایت مرحله انحطاط،^{۹۸} با سه مرحله اجرای یاسا همسان است. می‌خواند می‌نویسد اختلافات بین اولوس‌های مغولی به‌خصوص بین ایلخانان ایران با رهبری هلاکو و فرزندان او با اردوی زرین و رهبرانی همچون باتو و برکه‌خان در جدایی سریع ایلخانان و مغولان ایران از

۹۳. فضل الله همدانی، ص ۳۲۶ - ۳۲۲.

۹۴. همان، ص ۳۵۸، ۳۴۹، ۲۱۸.

۹۵. ساندرز، ص ۱۳۸ - ۱۳۷.

۹۶. مورگان، ص ۲۰۴.

۹۷. آی. پ. پطروشفسکی، «اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان»، تاریخ ایران کمبریج، ج ۵،

ترجمه حسن انوشه، به کوشش جی. آر. بویل (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹)، ص ۴۶۸ - ۴۶۷.

۹۸. لمبتون، ص ۱۶۲.

جامعه بزرگ مغولی تاثیر بسیاری داشت.^{۹۹} این جدایی ایلخانان از دیگر اولوس‌های مغولی در گرایش ایلخانان و مغولان به فرهنگ و سنن ایرانی - اسلامی تاثیر فراوانی داشت.

نتیجه‌گیری

چنگیزخان برای اداره بهتر حکومت خود قوانینی تحت عنوان یاسا به وجود آورد. این قوانین جنبه تقدس یافتند تا مغولان نسبت به کاربرد آن‌ها اهتمام داشته باشند. پس از فتح ایران، ایلخانان تلاش داشتند تا براساس سنن مغولی و قوانین یاسا عمل کنند. در دعوی دو فرهنگ تا زمان غازان، ظاهراً مغولان توانسته بودند در بین خودشان با سنن مغولی زندگی کنند. هرچند با برنامه‌ها و جبهه‌گیری‌هایی مانند دادن قدرت به بودائیان و مسیحیان در برابر مسلمانان، سعی داشتند تا ایرانیان را به فرهنگ خود درآورند، ولی توفیق زیادی به دست نیاوردند. اما از عصر حکومت غازان به بعد، خود مغولان نیز آداب و سنن مغولی را تا حد زیادی کنار گذاشتند و از سنن اسلامی پیروی کردند.

در مجموع عوامل متعددی برای جلوگیری از اجرای یاسا چنانکه در متن گذشت وجود داشت. قوانین یاسا به شدت وابسته به خان بود. خانی که نسبت به چنگیز باید احترام می‌داشت و از قدرت کافی نیز برای اجرا و تدوین یاسا برخوردار بود. در حالی که برخی ایلخانان مانند تگودار، گیخاتو، غازان و سلاطین بعد او نسبت به چنگیز چنین علاقه‌ای نداشتند. از طرف دیگر به جز هلاکو و غازان، ایلخانان دیگر توان فکری و نظامی لازم را نداشتند. تفاوت دو جامعه شهری ایرانی با اقتصاد بازرگانی و جامعه صحراگردی مغولی با اقتصاد دامداری بسیار وسیع که قوانین یاسا برای حفظ آن به وجود آمده بودند؛ و تلاش دیوانسالاری و عالمان ایرانی همچون خاندان جوینی، خواجه‌نصیر، محمود یلواج و پسرش و فضل‌الله همدانی و پسرانش و پیروان آن‌ها برای تدوین اندیشه ایرانی - اسلامی و به اجرا در آوردن آن، مهمترین این عوامل بازدارنده بودند. یاسا به تدریج قدرت خود را از دست داد و با از بین رفتن آداب و رسوم مغولان از نزد مغولان ساکن در ایران که آداب ایرانی و اسلامی را پذیرفته بودند، از درجه اعتبار ساقط شد.

کتابنامه

- آیتی، عبدالمحمد. **تحریر تاریخ و صاف**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ابن بطوطه، **سفرنامه ابن بطوطه**. ترجمه محمد علی موحد. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
- ابن عبری، ابوالفرج. **تاریخ مختصرالدول**. ترجمه محمدعلی تاج پور و حشمت الله ریاضی. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
- اشپولر، برتولد. **تاریخ مغول در ایران**. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- اقبال. عباس. **تاریخ مغول**. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود. **نفایس الفنون فی غرایس العیون**. به تصحیح ابراهیم میانجی. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۹.
- بارتولد، و. و. **ترکستان نامه**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: آگاه، ۱۳۶۶.
- بناکتی، ابوسلیمان داوود. **تاریخ بناکتی**. به تصحیح جعفر شعار. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.
- بیانی، شیرین. **دین و دولت در ایران عهد مغول**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- پطروشفسکی، ای. پ. «اوضاع اجتماعی، اقتصادی ایران در دوره ایلخانان». **تاریخ ایران کمبریج**. ج ۵. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- _____ . «دولت در دوره‌ی ایلخانان». **ایلخانان**. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی، ۱۳۸۴.
- تاریخ سری مغولان**. ترجمه شیرین بیانی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- تتوی، قاضی احمد، قزوینی. آصف‌خان. **تاریخ الفی**. جلد ششم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- تسوف، ولادیمیر. **چنگیزخان**. ترجمه شیرین بیانی. تهران: اساطیر، ۱۳۶۳.
- ثلاثی، محسن. **جهان ایرانی و ایران جهانی**. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۹.
- جوزجانی، منہاج السراج. **طبقات ناصری**. به تصحیح عبدالحی حبیبی. کابل: انجمن تاریخ افغانستان، ۱۳۴۳.
- جوینی، عطاملک. **تاریخ جهانگشای**. به تصحیح محمد قزوینی. لیدن: نشر بریل، ۱۳۲۹.
- _____ . **تسلیمه الاخوان**. به تصحیح عباس ماهیار. تهران: انتشارات آباد، ۱۳۶۹.
- خوافی، فصیح احمد بن جلال الدین. **مجمل فصیحی**. به تصحیح محمود فرخ. مشهد: کتابفروشی باستان، ۱۳۳۹.
- سامی، ش. **قاموس ترکی**. به اقدام احمد جودت. استانبول: بی‌نا، ۱۳۱۷.

- ساندرز، ج. ج. **تاریخ فتوحات مغول**. ترجمه ابوالقاسم حالت. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- سمرقندی، عبدالرزاق. **مطلع السعیدین و مجمع البحرین**. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: زبان و فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی. **مجمع الانساب**. به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- عباسی، جواد. «امرای مغول و اسلامگرایی در دوره ایلخانان». **شناخت**. شماره ۳۸. سال ۱۳۸۲.
- عباسی، جواد. «آخرین روزهای غازان و بحران در حکومت ایلخانان». **تاریخ ایران**. شماره ۶۲. سال ۱۳۸۹.
- العینی، سیدالباز. **المغول**. بیروت: دارالنهضة العربیه، ۱۴۰۶ ق.
- قاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد. **تاریخ الجایتو**. به اهتمام مهین همبلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- کارین، پلان. **سفرنامه پلان کارین**. ترجمه ولی‌الله شادان. تهران: نشر فرهنگ سرای ساولی، ۱۳۶۳.
- لمبتون، آن. ک. س. **مالک و زارع در ایران**. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- مارکو پولو. **سفرنامه مارکوپولو**. ترجمه حبیب الله صحیحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- مرتضوی، منوچهر. **مسائل عصر ایلخانان**. تهران: آگاه، ۱۳۷۰.
- مستوفی، حمدالله. **تاریخ گزیده**. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۹.
- معدن کن، معصومه. **به یاسا رسیدگان عصر ایلخانی**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- منشی کرمانی، ناصرالدین. **نسائم الاسحار من لطائف الاخبار**. به تصحیح جلال‌الدین حسینی محدث. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۲۶.
- مودعی، محمد علی. «قضا و دادرسی در زمان مغول». **کانون وکلا**. شماره ۴۱. سال ۱۳۳۴.
- مورگان، دیوید. **مغولها**. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱.
- میرخواند، برهان الدین. **روضه الصفا**. تهران: نشر کتابفروشی‌ها، ۱۳۳۹.
- نطنزی، معین الدین. **منتخب التواریخ معینی**. به اهتمام پروین استخری. تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
- نگهبی، مرجان. «یاسا و اثر آن بر نظام حقوقی ایران در عهد مغول». **رشد آموزش تاریخ**. شماره ۲۲. سال ۱۳۸۵.
- ورهرام، غلامرضا. **نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از عصر مغول تا پایان قاجاریه**. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.

ولی، وهاب. «غوری در اندیشه چنگیزخان بر مبنای یاس». **مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن**. ج ۲. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
همدانی، خواجه رشالدین فضل‌الله. **تاریخ مبارک غازی**. به اهتمام کارل یان، انگلستان: بی‌نا،

۱۳۵۸.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی